

انتشارات انصار امام مهدي عليه السلام / عدد (١٧٥)

مُسَيْلَمَه بَا جَامَهِي جَدِيدِش

دِروغگو ناصر محمد

نویسنده: علاء سالم

ترجمه: یوسف الأنصار

چاپ اول

۱۴۳۴ھ - ۲۰۱۲م

اسفند ماه سال ۱۳۹۱ هجری شمسی

جهت اطلاعات بیشتر در مورد دعوت مبارك سيد احمد الحسن عليه السلام

انر سايت ما بانرديد فرماييد:

<https://mahdyeen.org/>

<https://mahdyeen.org/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

مقدمه:

سنت ثابت خدا اقتضاء کرد تا خلیقه اش را با قانون الهی محکم بشناساند، که از صاحبش هرگز تخلف نمی کند، و بندهای آن به هیچ عنوان از هم گسسته نمی شوند تا مدعی دروغگو هرگز نتواند آن را ادعاء کند.

و حلقه های قانون الهی: (وصیت، علم، و پرچم بیعت با خدا) می باشند. با آنها خدای سبحان خلفایش را در کتاب کریم معرفی کرد، و این مثالی متعلق به سرور خلق محمد ﷺ می باشد:

فرموده ی خداوند متعال: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.

(همانان که از این فرستاده اُمی [منتسب به اُم القُری] که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد و از کار ناپسند باز می دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده

است برمی دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند) (۱).

و خداوند متعال فرمود: ﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾.

(و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت ای فرزندان اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما هستم تورات را که پیش از من بوده تصدیق می کنم و به فرستاده ای که پس از من می آید و نام او احمد است بشارتگرم. پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد گفتند این سحری آشکار است).

و در مورد علم، خداوند متعال فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾.

(اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند) (۲).

و از دعوت به خدا و حاکمیتش، خداوند متعال فرمود: ﴿وَ مَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَ قَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾.

(و شما را چه شده که به خدا ایمان نمی آورید و [حال آنکه] پیامبر [خدا] شما را دعوت می کند تا به پروردگارتان ایمان آورید و اگر مؤمن باشید بی شک [خدا] از شما پیمان گرفته است) (۳).

۱- الاعراف: ۱۵۷.

۲- الجمعة: ۲.

۳- الحديد: ۸.

و با وجود روشنی حق حبیب خدا محمد ﷺ و روشنی حجت و برهان صدقش، و داشتن بند های قانون الهی در بالا، و علی رغم سعی و تلاشی که در راه بیداری و هوشیاری مسلمانان و تقویت آنها و نصیحت های هدایت و نجات داشت، الا اینکه می بینیم تعداد زیادی به دنبال دعوت کنندگان باطل امثال مُسَيْلَمَه و سُجَاح رفتند.

مسیلمه‌ی اول و یارانش . . .

مسیلمه ی کذاب، مسلمان شد، سپس در سال دهم هجری ادعای نبوت کرد، و اذعان داشت که شریک رسول الله ﷺ در نبوت است، و برای ایشان ﷺ نوشت: (از مسیلمه رسول الله به محمد رسول الله، سلام بر تو. اما بعد: تحقیقاً من در امر رسالت با تو شریک شده‌ام؛ نیمی از سرزمین از آن ماست و نیم دیگر اختصاص به قریش دارد، ولی قریش، قوم متجاوزی است). بنابراین رسول الله ﷺ در پاسخ به او فرمودند: **(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. از محمد رسول الله به مسیلمه ی کذاب: السلام علی من اتبع الهدی. اما بعد: همانا زمین از آن خداست و به هر که از بندگانش خواهد، وارث می گرداند، و عاقبت از آن پرهیزگاران است) (۱).**

و بنو حنیفه و غیر آنها که ادعای اسلام می کردند دنبال مسیلمه ی کذاب راه افتاده بودند، در حالیکه قبائل دیگر پیرو مدعیان دروغین دیگری امثال طلیحه بن خویلد که همچنین ادعای نبوت در زمان پیامبر ﷺ کرد، و آنها را امر به ترک گفتن سجده در نماز می کرد و می گفت: (همانا خدا از غلطاندن صورتهایتان و زشتی عقبه‌هایتان شما را مورد حساب قرار نمی دهد).

و همچنین تعدادی از سرگردانان بی اراده، سُجَاح دختر حارث که او نیز ادعای نبوت کرد را دنبال کردند، و وقتی که بنی حنیفه در یمامه را قصد کرد این خبر به مُسَيْلَمَه ابلاغ شد، پس از او ترسید و کسی را به طرف او فرستاد تا از لحاظ امنیت جانی به او امان

دهد پس او را امان داد، پس به طرف او آمد و گفت: (نصف زمین از آن ماست، و برای قریش نصفی دیگر چنانچه عدل کنند، و خدا نصف دیگری که قریش آن را رد کرد را به تو برگرداند). سُجاح به او گفت: (پیاده شو). او در پاسخ گفت: (اصحابت را از من دور ساز). او این کار را انجام داد و اصحابش را دور ساخت. و برای او خیمه ای زد و در آن جمع شدند. سُجاح به او گفت: (پروردگارت چه چیزی به تو وحی کرد). پاسخ داد: (مگر ندیدی خدایت با زن آبستن چی کرد؟ موجودی روان را از او بر آورد، از میان پرده و احشاً). و سخنی دیگر را برای او گفت، پس گفت: شهادت می دهم که تو پیامبر می باشی. سپس مرتکب فاحشه شدند. سپس ندا کننده اش بانگ داد: (مسلمه رسول الله دو نماز صبح و عشاء که محمد آنها را آورد، را برای شما نهاد) ^(۱).

از این دروغگویان بی سر و پایان و سرگردانان در اوائل زمان اسلام علی رغم نداشتن حجت و دلیل که سخنان باطل آنها را ثابت کند پیروی کردند، و آنچه باعث تعجب می باشد این است که امرشان بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله شدت پیدا گرفت، با اینکه سیرت ننگ اخلاقی آنها برای گواهی بر دروغشان کافی بود.

محمد صلی الله علیه و آله . . . ایمانی اول در جاهلیت اول

شکی نیست که رسول الله محمد صلی الله علیه و آله برای اهل کتاب به اسم و صفت یاد شده است، و از بین این اوصاف که ایراد شد وصف (یمانی) آمده است، و در بیان آن سید احمد الحسن علیه السلام می فرماید:

«۱- دعای حَبَّوُوق نَبی بر شُجُوُوت. ۲- ای خداوند چون خبر تو را شنیدم ترسان گردیدم. ای خداوند عمل خویش را در میان سالها زنده کن! در میان سالها آن را معروف ساز و در حین غضب رحمت را بیاد آور. ۳- خدا از تیمان آمد و قدّوس از جبلِ فاران، سیلاه. جلال او آسمانها را پوشانید و زمین از تسبیح او مملوّ گردید. ۴- پَرثُو او مثل نور بود

۱- به الکامل فی التاریخ: ج ۲ ص ۳۵۵ رجوع شود.

و از دست وی شعاع ساطع گردید. و ستر قوّت او در آنجا بود. ۵- پیش روی وی و با می‌رفت و آتش تب نزد پایهای او می‌بود»^(۱).

معنای آن: "خدا از تیمان آمد" یعنی: "خدا از یمن آمد"، "و قدّوس از جبلِ فاران" یعنی: قدوس از مکه آمد، و خداوند بزرگ مرتبه را نمی توان به آمدن از آسمان وصف کرد پس چگونه از زمین باشد، زیرا که رفتن و آمدن مستلزم حرکت است و در نتیجه واقع شدن در تجسید و در نهایت نفی الوهیت مطلق خواهد بود. پس ممکن نیست آن کسی که از تیمان یا یمن می آید همان خداوند سبحان باشد، همانگونه که آن قدوسی که از فاران می آید نمی تواند او سبحانه و تعالی باشد. اینها از این جهت و اما از جهت دیگر اوصاف دیگر مانند دست که پرتو او مثل نور بود "خداوند بزرگتر از آن است که وصف شود". و از دست وی شعاع ساطع گردید. ۵- پیش روی وی و با می‌رفت و آتش تب نزد پایهای او می‌بود"، بلکه آن کس که می آید بنده ی الله محمد ﷺ و بعد ایشان خاندانش ﷺ خواهند بود که همانا آنها از مکه و محمد و آل محمد ﷺ همچنین یمانی می باشند.....

و با توجه به اینکه تیمان همان یمن می باشد، حتی در انجیل از زبان عیسی عليه السلام ایراد شد هنگامی که ملکه ی یمن را به ملکه ی تیمن (یا تیمان) وصف کرد.

«۴۲- ملکه جنوب (تیمان) در روز داوری با این فرقه برخاسته، بر ایشان حکم خواهد کرد زیرا که از اقصای زمین آمد تا حکمت سلیمان را بشنود، و اینک شخصی بزرگتر از سلیمان در اینجا است»^(۲).

بنابراین تبیین شد که رسول الله ﷺ برای منتظران در جاهلیت اول با وصف (یمانی) یاد شده است.

۱- حبقوق: باب ۳.
۲- انجیل متی: باب ۱۲.

و نیز به اسمش ذکر شده است، خداوند متعال فرمود: ﴿... وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾.

(....) و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او احمد است بشارت‌گرم پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد گفتند این سحری آشکار است^(۱).

و این پاره ای از محاجه ی امام رضا علیه السلام با جاثلیق نصاری است:

(... جاثلیق گفت: او - یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله - را وصف کن. فرمودند: او را به آنچه

که خدا وصف کرده وصف می‌کنم، او صاحب شتر و عصا و کساء است: ﴿النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾، (پیامبر اُمی (منتسب به اُم القری) که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد)^(۲).

به راه برتر و روش عادل تر و راه قوم تر دعوت می‌کند. ای جاثلیق به حق عیسی روح خدا و کلمه اش، آیا در انجیل مانند این صفت برای این نبی می‌یابی؟ جاثلیق سکوت پیشه کرد و دانست که انجیل را انکار و به آن کفر ورزید، پس گفت: آری، این صفت در انجیل آمده است، و عیسی در انجیل این نبی را ذکر کرده است، و در انجیل صحیح است پس به آن و صفت محمد صلی الله علیه و آله اقرار کردم.... و هنگامی که جاثلیق و رأس جالوت این را شنیدند، دانستند که امام رضا علیه السلام به تورات و انجیل دانا است، پس گفتند:

۱- الصف: ۶.

۲- الاعراف: ۱۵۷.

به والله با چیزی آمد که ممکن نیست رد و دفع شود الا با انکار انجیل و تورات و زبور، و به ایشان حضرت موسی و عیسی (علیهما السلام) همه بشارت دادند، اما یقین حاصل نشد که آن همان محمد است، پس اگر اسمش محمد است صحیح نیست به نبوتش اقرار کنیم، و ما شک داریم که او محمد شماس است. امام رضا علیه السلام پاسخ داد: **به شک احتجاج کردید، آیا خدا قبل یا بعد از آدم تا امروز پیامبری را با نام محمد فرستاد، و هر آنچه از صفات در کتب که بر پیامبران نازل شدند را در غیر محمد می یابید؟** پس در پاسخ خاموش ماندند....^(۱).

و آن متن ها در اثبات حقانیت رسول الله صلی الله علیه و آله بسیار روشن و آشکار بودند. در حالیکه دستان دسته ی دروغگویان (مُسیلمه و رفیقانش لعنه الله) از متن های الهی خالی ماند.

احمد الحسن . . . یمانی موعود در جاهلیت دوم

مثل رسول الله صلی الله علیه و آله، فرزندش مهدی اول (احمد) که برای مردم منتظر در جاهلیت دوم هنگام غربت اسلام و ماندن فقط اسم، بود، (اسلام با غربت آغاز شد و عن قریب نیز چنان که بود به حال غربت بر می گردد پس خوش به حال غریبان).

بنابراین ایشان نیز باری با اسم، و باری دیگر با وصف یمانی یاد شده است، و این را بسیاری از روایات بیان کرده اند.

و برای توضیح بیشتر در باب آنچه در مورد آن بحث کردیم، سید احمد الحسن علیه السلام فرمودند:

(مسأله ی یمانی جدید نیست، بلکه محمد صلی الله علیه و آله نیز در نزد اهل کتاب معروف بود و به ایشان بشارت داده بودند که یمانی است، لهذا یهودیان سرزمین میعاد بسیار مهم در نزدشان را ترک گفتند و بیشتر آنها ساکن سرزمین یمن شدند، یعنی سرزمینی که در تاریخ به

اسم یمن نامیده شد و نه سرزمین کنونی فقط، و مدینه نیز از یمن است. و تاکنون یهودیان در یمن به سر می برند، زیرا که آنها نیز به یمانی بشارت داده شده اند و منتظر او هستند، یعنی به محمد صلی الله علیه و آله و به یمانی که از نسل ایشان علیه السلام می باشد، دقیقاً همانند بشارت به احمد که آن بر بسیاری از مصداق ها و در زمان های گوناگون منطبق می شود.

بنابراین یمانی اول محمد صلی الله علیه و آله در یمن یعنی در مکه، زیرا که آن از سرزمین یمن است، مبعوث شد؛ و یمانی دوم از نوادگان یمانی اول (محمد) در مشرق در مسیر بازگشت ابراهیمی به سرزمین اصلی اش، عراق، مبعوث شد. و لذا بیشتر قبرهای ائمه علیهم السلام در عراق بود در حالی که آنها در عراق متولد نشده اند. این مشیت خدا است، تا بازگشت دین ابراهیمی به عراق را با یمانی که در سه دیانت وعده ی او داده شده است را ثابت و استوار کنند. پس روشن شد که یهودیان به یمانی بشارت داده شده اند، و مسیحیان بشارت داده شده اند، زیرا که به عهد قدیم تورات نیز اعتراف دارند؛ و مسلمانان، سنی ها و شیعیان به یمانی بشارت داده شده اند. بنابراین یمانی شخصی نیست که فقط در روایت امام باقر علیه السلام ذکر شده است) ^(۱).

و این مقطعی است از روایت امام باقر علیه السلام:

فرمودند: (...لیس فی الرايات اهدی من رایة الیمانی، هی رایة هدی لأنه یدعو الی صاحبکم. فإذا خرج الیمانی حرم بیع السلاح علی کل الناس و کل مسلم. و اذا خرج الیمانی فانهض الیه فان رایته رایة هدی، و لا یحل لمسلم ان یلتوی علیه، فمن فعل فهو من أهل النار، لأنه یدعو الی الحق و الی طریق مستقیم) ^(۲).

(و در میان پرچم ها پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست، آن پرچم هدایت است و شما را به سوی صاحبتان دعوت می کند. هنگامی که یمانی خروج کند فروش اسلحه بر

۱- کتاب رسالتی در وحدت شخصیت مهدی اول و یمانی: ص ۳۱.

۲- غیبت شیخ نعمانی: ص ۲۶۴.

مردم و هر مسلمانی حرام می شود. چون یمانی خروج کرد به سوی او بشتاب که پرچمش پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست در برابر او بایستد، و هر کس انجام دهد از اهل دوزخ است، زیرا او به سوی حق و راه مستقیم فرا می خواند).

و در این روایت روشن است که یمانی خلیفه ای از خلیفه های خدا و اطاعت از ایشان واجب است، بدلیل اینکه به حق و راه مستقیم دائماً و ابداً دعوت می کند، و همچنین بدلیل سریچی از ایشان که نتیجه اش جهنم است. و اگر این امر اینگونه است، بنابراین راه شناخت یمانی حتماً همان قانون الهی است که در ابتدا به آن اشاره کردیم.

اما متن، همانا که سید احمد الحسن با وصیت رسول الله ﷺ در شب وفاتشان که در آن به اسم و صفت یاد شدند احتجاج نمودند، و ایشان ﷺ آن را به کتاب بازدارنده از گمراهی که در نزد شیعیان و اهل سنت با لفظ یکسان وصف کردند ذکر نمودند، و مدتی پیش کتابی از سید احمد الحسن یمانی بعنوان (وصیت مقدس کتاب بازدارنده از گمراهی) منتشر شد، و در سایت رسمی دعوت مبارک یمانی موجود است، و در آن استدلال قطعی از قرآن، سنت، و عقل و نیز حقانیت و صدق و اینکه ایشان بدون هیچ تردید مصداق وصیت است را روشن ساختند. و آثرائی که خود را مراجع دین می نامند را دعوت به پاسخ به کتاب کردند، و تاکنون منتظر پاسخ یکی از آنها می باشیم.

و اما علم، کتابهای سید احمد الحسن که تقریباً به پنجاه جلد رسیده اند در عرصه ی علمی موجود می باشند، که مشمول راز و اسرارهای شناخت الهی غائب از مردم در جنبه های مختلف می باشند، که با قرآن و تورات و انجیل، یا با عقیده ی حق پیوند داده شده به خدا و صفات و عرش و کُرسی و ملکوت و پیامبرانش و، یا با حلال و حرام خدا و الخ است.

و باری دیگر سید احمد الحسن سینه ی خود را باز و (کسانی که بر تکذیب ایشان و رد حقیقت بدون دلیل اصرار می ورزند) را دعوت به پاسخگویی به کتابها چنانچه علمی داشته باشند، کرد؛ و الا بر آنها فرمانبرداری از ایشان و تصدیقش واجب می گردد.

و بعد از اینکه همه سکوت طولانی پیشه کردند، در نهایت در صفحه ی رسمی خویش در (فیسبوک) آنها را به مناقشه ی موضوعاتی دیگر که برای باطل ساختن شبهات ملحدان و اثبات وجود خدا با تمامی موارد مربوط به آن را فرا خواندند، و همانطور که معلوم است آن موضوعی بسیار مهم است، و این متن دعوت ایشان علیهم السلام از آنهاست:

سعی می کنم که موضوعاتی مرتبط با خلق و اثبات وجود خدا یا عدم وجود او سبحانه را مطرح سازم. این موضوعات علمی بسیار مهم می باشند و آنچه در میدان علمی می بینم این است که الحاد از لحاظ علمی پیروز است و آن هم با معدل بسیار بالا و در برابر کسانی که ادعای نمایندگی ادیان را می کنند. پس اینها که خود را علماء می نامند چه مسلمانان شیعه و سنی و وهابیت یا مسیحیان و یا یهود به مسائل علمای بیولوژی تکاملی و غیر آنها که مطرح می سازند اصلاً بدون هوشیاری پاسخ می دهند، لذا آنها مانند کسی هستند که مسئله ای را به اشتباه شنید و متوجه شد پس به اشتباه پاسخ گفت، و لهذا کتابی در این باب نوشتم که الان تقریباً کامل است، و در آن مهمترین نظریات علمی تجربی ثابت و یا ریاضی و نظری را مورد مناقشه قرار دادم، و ان شاء الله آن را منتشر خواهم کرد آن هنگام که بینم اشخاصی از لحاظ شناخت شایسته ی آن را داشته باشند تا آنچه را نوشتم متوجه شوند، زیرا که نیاز به اطلاع در مورد علمی مانند زمین شناسی تاریخی (یا تاریخ زمین)، و تاریخ قدیم و آرکئولوژی (باستان شناسی) و علم بیولوژی تکاملی و فیزیک نظری و کیهان شناسی (علم حیات) و مردم شناسی و علم مهندسی ژنتیک و پزشکی و فلسفه و غیر آنها است.

سؤالاتی برای مناقشه:

رأی و نظرهای علمای شیعه، سنی، وهابیت و مسیحیان در مورد نظریه ی تکامل داروین چیست؟ و پاسخ منکر علمی به آن چیست؟

راه اثبات وجود خدا ضمن حدود زندگی زمینی برای کسانی که نظریه ی تکامل را می پذیرند چیست؟ رأی و نظر آنها در مورد نظریه ی ژن خودخواه چیست؟

رأی و نظر آنها در مورد هیگز یا بوزون هیگز که مسؤل پیدایش ذرات ماده در این جهان است که اخیراً با تجربه ی برخورد دهنده ی هادرونی بزرگ کشف شده است، چیست؟

رأی و نظر آنها در مورد نظریه ی ممبران (غشاء) یا ام تئوری و وجود بیش از چهار بُعد در این جهان، و یازده بُعد تا الان، چیست؟

رأی و نظر آنها در مورد آنچه اخیراً پروفیسور استیون هاوکینگ در مورد اصل جهان و آغازش مطرح ساخت، و اینکه ام و کوانتوم تئوری برای تفسیر ظهور جهان از عدم کافی هستند، و اینکه آن نیاز به ظهور جهان از عدم به غیر از وجود قانون جاذبیت موجود از ابتدا بر حسب نظریه ی همه چیز یا نظریه ی ام ندارد، و اینکه جهان ممکن است بدون نیاز به فرضیه ی وجود خدا ظاهر گردد، چیست؟

رأی و نظر آنها در مورد آنچه علمای فیزیک می گویند که مجموع انرژی مثبت و ماده با انرژی منفی و ماده ی تاریک (یا ضد ماده) در جهان مادی مساوی با صفر است، چیست؟

آدم بر روی این زمین چه موقع شروع به زندگی کرد، و از آنها تاریخ دقیق نمی خواهم بلکه کلی بیان کنند، یعنی مثلاً بگویند ده ها هزار سال یا صدها هزار یا میلیون ها سال پیش.

طوفان نوح علیه السلام در کجا واقع شد؟

طوفان نوح علیه السلام چه موقع واقع شد و از آنها تاریخ دقیق نمی خواهم بلکه کلی بیان کنند، یعنی مثلاً بگویند ده ها هزار سال یا صدها هزار یا میلیون ها سال پیش.

طوفان نوح چگونه واقع شد و چگونه امواج مانند کوه ها بودند همانگونه که در قرآن ذکر شد؟

آیا طوفان شامل کل نقاط زمین شد؟ آیا با طوفان نوح تمامی جانداران زمین به هلاکت رسیدند؟ و اگر پاسخ آنها این بود که شامل تمامی زمین و تمامی جانداران یا حداقل حیوانات بر روی زمین شد، پس تعلیل آنها بر وجود حیوانات در جزیره های دور دست مانند حیوانات کیسه دار و حیوان فوسا در استرالیا در ماداگاسکار و غیره چیست؟ این سؤالات علمی مرتبط به اثبات یا انکار وجود خداست، و لهذا بر کسانی که مدعی نمایندگی ادیان هستند آنها را با جوابهایی که موافق با علم حدیث و نه جوابهای روائی یا متن های دینی گمانی الصدور یا دلالت و متعارض با واقع علمی ثابت شده به شکل قطعی، پاسخ دهند؛ مانند حقائق تاریخی جیولوژی زمین و محتویات طبقات آن، پس مانند این متن های دینی، یا غیر صحیح می باشند یا اینکه تأویل می شوند زیرا که با حقائق علمی به اثبات رسیده در تعارضند.

بنابراین آنچه از فقهای ادیان خواهانیم پاسخ های علمی به سؤالات بالا می باشد، و گمان می کنم که ایشان کاملاً از پاسخگوئی به آنها بصورت علمی معتبر عاجزند، بلکه به هر آنچه نوشته شد مطلع شدم و دیدم که فهم و درک اشتباه از مسائل علمی است و پاسخگوئی بر اساس فهم و درک اشتباه خودشان می باشد، یعنی اینکه مثلاً نظریه ی تکامل را بر اساس فهم و درکشان به گونه ای می پندارند سپس بر اساس همان فهم و درک اشتباه از مسئله، پاسخ اشتباه می دهند، و گمان می کنند که بر نظریه ی تکامل پاسخ

دادند در حالیکه آنها به گفته و فهم اشتباهشان از نظریه ی تکامل پاسخ می دهند و نه پاسخ به آنچه در حقیقت نظریه ی تکامل داروین می گوید.

آنچه معتقدم این است که در این مرحله ای که امروز در آن زندگی می کنیم و آنچه در این موضوعات علمی مرتبط بطور مستقیم با دین و اثبات وجود خدای سبحان است بسیار بزرگتر از آنهایی که مدعی هستند علمای ادیانند، می باشد. و کتابها و سخنان فقهای شیعه و سنی و مسیحیانی که آنها را مطالعه کردم کتابها و سخنان ساده که فقط برای عرضه در بازار محلی ارزش دارند و برای فریکاری برخی پیروان بی هوش و راضی به جهل نه بیشتر نوشته شده اند، و ممکن نیست پاسخ های آنها شخصی را که اطلاعات بسیار خوبی از علم زیست شناسی تکاملی و علم ژنتیک و فیزیک مثلاً داشته باشد را قانع و متقاعد سازد، بلکه به آنها بر اساس ساده لوحی و نادانی و دروغگو و نه بیشتر هستند، نظر می کند.

و ان شاء الله با شما بعضی از سخنان و نوشته های آنها را مورد مناقشه قرار خواهم داد تا شما به شخصه سطح علمی آنها و آنچه در نزد خود دارند را ببینید، و خواهید دانست چرا آنها راه علمی جهت مواجهه با احمد الحسن را ندارند لذا به کذب و افتراء یا کمک و یاری از نیروهای مسلحی که دست در دست هم دادند پناه می برند تا به دفتر احمد الحسن در نجف یا به منزل احمد الحسن با نیروهای مسلح بزرگ هجوم می کنند، پس علت آن الان برای شما به وضوح نمایان می شود و آن اینکه وجود احمد الحسن به طور علنی بین مردم آنها را رسوا می کند و جهلشان را آشکار می سازد.

و به شما ان شاء الله تھی و خالی بودن علمی و فکری آنها را نشان خواهم داد. و آنچه از فرهیختگان آرزو دارم این است که همراه با من به خود مقداری زحمت دهند و یاد بگیرند و مطالعه کنند، و به والله قسم وقوع آنها در دست حيله گری که از جهل و نادانی شان در مسأله ای علمی یا دینی معین سوء استفاده می کند و آنها را از حق دور می سازد

همانگونه که امروز اتفاق می افتد وقتی که فقهای گمراهی آنها را با دروغ و جوب تقلید غیر معصوم گمراه ساخت، ما را رنج و آزار می دهد.

و هر کس رأی و نظری از رأی و نظرات آنها دارد بیاید و مطرح سازد، و ان شاء الله آن را مطالعه کرده و به آن پاسخ خواهم داد.

اما در مورد خودم، بنده به این سؤالات و بیشتر از آنها را در کتاب **(توهم الحاد)** پاسخ دادم، و ان شاء الله به زودی آن را منتشر خواهم کرد، و همچنین آن حاوی آنچه که ممکن است مناظره ی علمی با پروفیسور ریچارد داکنز که از برجسته ترین علمای معاصر زیست شناسی تکاملی شمرده می شود، و پروفیسور استیون هاوکینگ که ایشان از برجسته ترین علمای فیزیک نظری و ریاضیات تطبیقی و متخصص در علم حیات است و برای ایشان نظریه ی ثابت شده در اشعاع سیاه چاله ها است، نامیده شود، می باشد.

منتظر پاسخ مراجع به تمامی این سؤالات می باشم تا مناظره بین من و آنها آغاز شود، چنانچه موضوعات سابقی را که مطرح کردم را رد می کنند. و پیشنهاد می دهم که از اساتید دانشگاه ها جهت فهم و درک این موضوعات و اصطلاحات کمک و یاری گیرند تا مرا در مناظره خسته نکنند.

لینک صفحه ی رسمی امام احمد الحسن علیه السلام:

<https://www.facebook.com/Ahmed.Alhasan.10313>

لینک صفحه ی رسمی انصار جهت ترجمه ی نوشته های امام احمد الحسن علیه السلام در

فیسبوک: <https://www.facebook.com/ansar.ahmed.alhasan.farsi>

و باری دیگر چشمان ما خیره کنان خواهند ماند به امید این که شخصی از آنها قبول کند، تا آن هنگام مردم، عالم واقعی را ببینند و او را از تزویر کننده که به ریشخند کردن و فریب دادن مردم بسنده می کند، تمییز دهند.

و اما بند سوم قانون الهی (دعوت به خدا و حاکمیت او). بر روی این کره ی زمین هیچ مردی جز سید احمد الحسن عليه السلام نیست که به حاکمیت خدا و رد حاکمیت مردم که انتخابات و دموکراسی آمریکا (دجال بزرگ) است، دعوت کند. بر این اساس این یگانگی آیه ای از آیات خدا است که حق را با روشنی کامل برای طالبان آن نمایان می سازد، و آیا آسانتر از تشخیص یک شخص که صاحب حق مجسم به دعوت کننده ی الهی است وجود دارد !!!

مسیلمه با جامه ای جدید . . . دروغگو ناصر محمد

این بعضی از حقه بازی است که شما را از حال این زندیق (ناصر محمد یمانی) که به کذب و زور خود را امام مهدی معرفی می کند، آگاه می سازد. متن هایی که در اینجا خواهم گذاشت متن هایی از پاسخ های منتشر شده در سایت رسمی اش معروف به مهدی امت است، و همانطور که مطالب در سایتش آمده اند را نقل کردم، و همه می توانند به سایت بی چیزش مراجعه کنند:

۱. این دروغگو اذعان می کند که از رسول الله ﷺ آگاه تر و داناتر است!!! در بیانیه ای که به (برادر بزرگوار و خادم حرمین بر حسب تعبیرش) عبد الله بن عبد العزیز و دیگر سران و علماء توجیه کرده است، علم خود را بیان و خود را به مرد دانا وصف می کند، او می گوید:

(... و سپس رسول الله با معلمش جبرئیل درود خدا بر آنها باد در مورد مرد دانا (منظورش خود می باشد) که به ذات رحمان از محمد رسول الله خاتم پیامبران و فرستادگان و از معلم جبرئیل درود خدا بر او باد، آگاه تر است مباحثه کردند و کسی اسم اعظم خدا را نخواهد دانست مگر یمانی دانا به رحمان. پس ای جماعت علمای دین و مسلمانان بیابید تا حقیقت اسم اعظم خدا را به شما یاد دهم و شما را از اسم اعظمش با خبر نساخت، که آن را ویژه ی علم غیب نزد خود قرار داد و آن را برای خود

حقیقتی ساخت که تنها آن کس که خدا را آنگونه که شایسته است عبادت کند خواهد دانست؛ بنده ی حقیر کوچک بین دستان دانای به اسم اعظمش و تالله که یمانی منتظر اعلم ترین و کریم ترین بنده ی در ملکوت آسمانها و زمین است).

بلکه حتی عصمتش را نیز نمی بیند، در حالی که به سؤالی در مورد عصمت ائمه علیهم السلام پاسخ می دهد:

(... حتی یک بشر که از اشتباه در زندگی اش معصوم باشد وجود ندارد، و خداوند برای آن کس که توبه کند مغفرتی قرار می دهد، و در کتاب از تمامی مردم کسی را نیافتم که از اشتباه معصوم باشد، حتی یک بار در زندگی اش.....).

بنابراین، این شخص به کفر و پلیدی خود تصریح می کند، و ادعاء می کند که از رسول الله محمد صلی الله علیه و آله اعلمتر است و عصمتش را نفی می کند، بلکه می بیند که رسول کریم آنگونه که شایسته است بندگی خدا و مانند بندگی اش برای خدا نکرده است!!! پس آیا مؤمن به خدا و دینش، ارتداد از دین صریح تر و روشن تر از این می بیند؟!)

۲. این زندیق اعتقاد دارد که او دوازدهمین امام از ائمه ی اهل بیت علیهم السلام است، بلکه برترین همه ی آنهاست، علی رغم اینکه نام های آنها را نمی داند، او می گوید:

(... خدا و رسول خدا نام های آنها را به من نیاموختند زیرا که نام های آنها مهم نمی باشند، بلکه حکمت در تبیان تعداد مهم است، و آن بخاطر این است تا بدانم که من امام دوازدهم از آل بیت پاک هستم، و اگر حاضر بودند، همه ی آنها راهی جز پیروی از من نداشتند، و فوق هر صاحب دانشی دانشوری است).

ولیکن او در عین حال می بیند که ابی بکر و عمر پیشوایان هستند و موقعیت و فعل آنها که اگر آن نبود به اسلام فتنه ی بزرگی ضربه وارد می شد!!! او می گوید:

(....) و من مهدی منتظر درود و صلوات بر امام علی و ابی بکر و عمر می فرستم، سپس درود و صلوات فراوان بر آنها می فرستم و به حق، گواه به خدا می دارم که خلیفه ی بعد محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم امام علی است ولیکن در کتاب از حق خود سکوت اختیار کرد، ولیکن من ابی بکر و عمر را سپاسگزارم، پس اگر عمر نبود فتنه ای بزرگ به مسلمانان وارد می شد.... و خداوند عمر را مورد مغفرت قرار دهد؛ و او را در انتخاب ابو بکر ملامت نمی کنم و با اینکه در کتاب او خلیفه نبود اما عمر ابن الخطاب مسلمانان را از فتنه ای بزرگ که نزدیک بود مهاجرین و انصار را در بر گیرد نجات داد. و من مهدی منتظر حق از طرف پروردگارتان بر امام علی و ابو بکر و عمر صلوات می فرستم....).

و در مورد ائمه ی دوازده گانه درود خداوند بر آنها باد، از شخصی بنام عثمان یاد می کند و می گوید:

(... و ای عثمان، برای ما مهم نیست که نام های آنها در اختیار ماست بلکه فقط تعداد آنها مهم است، و فایده ی شناخت نام های آنها چیست تا قبرهای آنها را ننگید و از آنها پیروی ننمایید، بلکه شما مهدی منتظر موجود در میانتان را پیروی کنید چنانچه حق را بخواهید، و به والله ای عثمان، پروردگارم فقط تعدادشان را به من آموخت و تصویر آنها را به من نشان داد و نام های آنها را به من یاد نداد، و این حکمتی است از جانب پروردگار تا شاید قبرهای آنها را ننگید....).

این در حالی است، و خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾، (به یقین خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است * فرزندان که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست) ^(۱).

و اگر خلفای خدا نسلی از نسل دیگرند، بنابراین این سبک عقل (خلیفه ی ابلیس) نسبت به نام های پدرانش از خلفاء را از یاد برد، مگر اینکه از زمین برگرفته شده باشد، که این بسیار روشن است!!!

۳. ناصر محمد دروغگو با نمازهای واجب شده باز ی می کند، او می گوید:

(... ای جماعت علمای مسلمانان، من مهدی منتظر خدا را گواه می دارم که خدا بر پیامبرش پنجاه نماز دو رکعتی در شب و روز واجب کرد.... و سپاس خداوند دو عالم رحمن رحیم که بار سنگین پنجاه نماز در شب و روز از مسلمانان را به پنج وعده نماز واجب سبک کرد و در هر نماز دو رکعت است تا تعداد رکعات ده رکعت در پنج وعده نماز واجب شوند.... سپس خدا شما را به شکستن نمازها امر داد، از دو رکعت به یک رکعت مگر امامی که نمازتان با امامت او بر پا شود).

و در نزد مسلمانان معلوم و بدیهی است که تعداد رکعات نمازهای روزمره هفده رکعت در حضور، و یازده رکعت در سفر می باشند، و نمی دانم در نظر این زندیق چگونه در حضور ده رکعت و در سفر پنج رکعت شدند!!!

او مسیلمه ی جدید است، در سابق دانستیم که نداء دهنده ی مسیلمه ی اول نداء داد و گفت: (همانا مسیلمه رسول الله دو نماز صبح و عشاء که محمد آنها را آورد، را برای شما نهاد). پس در نظر او تعداد رکعات روزمره یازده رکعت بودند. و امروز مسیلمه ی جدید نداء می دهد و آنها را ده رکعت در حاضر و پنج تا در سفر می نهاد!!! این در حالی است که او اذعان می کند که یاور قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد!!!

۴. و می بیند که نسل ها از طریق نکاح محارم منشأ گرفت، بلکه بعضی از خلفای خدا (هابیل) به خواهرش و پناه بر خدا نزدیکی کرد، و این نسل ها از طریق نکاح فرزندان آدم با خواهرانشان حاصل شد، او می گوید:

(... بعد از خروج آدم و حواء از مقام کریم به این زمین آیین ازدواج هنوز نازل نشده بود، لهذا با همدیگر ازدواج می کردند زیرا که آیین در ازدواج نازل نشده بود، تا وقتی که زیاد شدند سپس هدایت از طرف خدا آمد پس هر کس از هدایت پیروی کند نه گمراه می شود و نه تیره بخت. تا هنگامی که هدایت خدا آمد ازدواج بین برادران و خواهران حرام شد و برای آنها آیین مستقیم را قرار داد پس هر کس از هدایت خدا پیروی کند بر ایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد).

این زندیقی را در کسی به جز مسیلمه ی کذاب و سُجّاح و رهروان راه آنها نیافتیم، و این دروغگو به ظاهر وارث آنها در فجور و زندیقی است.

۵. و از نمونه های زندیقی اش، تفسیر آیه ی کریم به این شکل است، او می گوید:

(﴿فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾)، "پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانۀ رو و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگامند و این خود توفیق بزرگ است" ^(۱). صدق الله العظیم. پس آنان که بر خود ستمکارند اصحاب آتش و بد قرارگاه هستند، و اما میانۀ روان آنها اصحاب یمین می باشند، و اما پیشگامان به پروردگارشان همان مقربان هستند).

و ظاهراً نسبت به آیه نادان می باشد که آن در مورد انتخاب و گزینش کسانی که توسط خدا انتخاب شدند و وارث کتاب خدا گشتند صحبت می کند، خداوند متعال فرمود: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾، (سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم به میراث دادیم پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و

برخی از ایشان میانه رو و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگامند و این خود توفیق بزرگ است) (۱).

و با تأکید فراوان آنان که بر خود ستمکارند اصحاب آتش و بد قرارگاه نیستند همانگونه که این دجال اذعان کرد، و لذا خدای سبحان در مورد اینها می فرماید که آنها از اهل بهشت هستند، همانطور که در آیه ی بعد روشن می شود: ﴿جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾، (در بهشت های همیشگی که به آنها در خواهند آمد در آنجا با دستبندهایی از زر و مروارید زیور یابند و در آنجا جامه شان پرنیان خواهد بود) (۲).

و فرموده ی حق در بیان آن را قائم آل محمد سید احمد الحسن در کتابش (متشابهات) روشن ساخت، و همه را به مقایسه ی پاسخ وارث رسول الله محمد صلی الله علیه و آله به حق و صدق که به ایشان در وصیت مقدس به اسم و صفت یاد شده را با پاسخ وارث مسیلمه ی کذاب که او را اکنون شناختیم دعوت می کنم.

۶. و در مورد نام این سبک عقل (ناصر) و نام پدرش (محمد). ببینیم پاسخ او در مورد سؤال شخصی در مورد شباهت نامش با نام پیامبر صلی الله علیه و آله و نام پدرش با نام پدر پیامبر چیست، همانطور که در روایات زیادی ایراد شده است، او می گوید:

(و پرسنده ای سؤال کرد و گفت: در روایات اهل سنت ایراد شده است که نام پدر امام مهدی منتظر (عبد الله) است، پس این چگونه ممکن است و اسم پدرتان محمد می باشد؟ و پاسخ داد آن کس که علم کتاب (منظور خودش است) نزد او است: و خدا اشتراک برای نام محمد را در نامم و در نام پدرم قرار داد، یا اینکه شما انکار می کنید که نامم (ناصر محمد) است؟ بنابراین نام محمد موافق نام من است، و بلکه خدا نکته ی

۱- فاطر: ۳۲.

۲- فاطر: ۳۳.

مشترک در نامم با نام محمد که آن در نام پدرم است را قرار داد، و در آن حکمتی بالغه است تا نام حامل خبر و پرچم امر باشد، و آن به این دلیل است که خدا مهدی منتظر را نه نبی و نه رسول مبعوث ساخت بلکه او را ناصر محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - مبعوث کرد، و با این حال حکمت بالغه در شباهت اقتضاء می کند....).

و این گونه این فریبندگان بر متن های واضح و صریح با نیرنگی عمل می کنند.

۷. چاپلوسی اش برای این طغیانگران خیانتکار. بعضی از آنها را در سابق دانستیم، و الان چاپلوسی اش برای خیانتکار و طغیانگر دیگر را ببینید:

(... ستایش از آن خداست که رئیس علی عبد الله از عربستان سعودی سالم و بهبود یافته بازگشت، و حمد و سپاس خدا بر سلامت و هزاران تبریک و تهنیت به ملت یمن چه حکومت و چه ملت؛ و هنوز مهدی منتظر بی صبرانه در انتظار بازگشت شما جهت پاسخگویی و بازگشت به محکم ذکر (قرآن) که در آن دچار اختلاف شدید می باشد، پس ای رئیس از شکرگزاران باش و سرزمین و بندگان را با تسلیم زمام خلافت اسلامی جهانی به امام مهدی ناصر محمد یمانی نجات ده....).

و در حالی که به کشور عراق سفر کرد تا از طغیانگر خلع شده صدام حسین قبل از اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی دفاع کند، پس خواست آن موضع و گرایش را توجیه و مبرا سازد، پس گفت:

(.... بلکه مهدی منتظر ناصر محمد یمانی با صدام ضد ابقع و اصلع و بوش کوچک و شیاطین بشر که آنها از سفیانی صدام حسین ظالم ترند ایستاد، و او به سفیانی خوانده می شود زیرا که او از نسل معاویه ابن ابی سفیان است...).

و هنگامی که از عراق خارج شد و بغداد به دستن آمریکایی ها سقوط نمود، این دروغگو بازگشتش به یمن را ابتدای غیبت صغری بعد از غیبت کبری حساب کرد، پس گفت:

(.... و سپس به یمن بازگشتم و بعد از بازگشتم به یمن غیبت صغری بعد از غیبت کبری من آغاز شد و بعد از اتمام و گذشت مدتی از غیبت صغری و دستگیری صدام این امر بسیار مرا ناراحت کرد و گویی که عراق در آن روز شکست خورد و غم و اندوه در قلبم مجدداً آغاز شد ولیکن بعد از آن خدا مرا با خبر ساخت که صدام حسین همان سفیانی است...).

این در حالی است، که همه ی مسلمانان می دانند که سفیانی صاحب پرچم گمراهی است، و یمانی صاحب پرچم هدایت، در حالی که این دروغگو ناصر محمد نه تنها با سفیانی بر حسب اعتقادش نبرد نکرد بلکه رفت تا از او دفاع کند و از قتلش اندوهگین شود. سپس مادامی که از برادران طغیانگر و ظالمت که نام آنها را ذکر کردی دفاع می کنی، و خدا از حالت با کسان دیگر که امرشان از ما پنهان است اعلم است، پس چه چیزی تو را به دین حق خدا، که اساس آن کفر به طاغوت در اولین گامهایش است پیوند و مرتبط ساخت؟

این برخی از گفته هایی است که این مدعی دروغگو آنها را گفت، و بسیاری از آنها، جهت اختصار را ترک گفتم.

ناصر محمد . . . به اعترافش دروغگویی متکبر است

این دروغگو ناصر محمد اذعان دارد که همتای قائم آل محمد سید احمد الحسن عليه السلام است، پس خواستار مباحله شد، الا اینکه مراجعه‌ی سریع به گفته‌هایش روشن می‌سازند که این مرد نیاز به تربیت قبل از اینکه نفسش کار بدی را برایش آراسته کند، دارد، و امکان این وجود دارد همه به بی ادبی او در پاسخ‌هایش مراجعه و اطلاع پیدا کنند.

و به هر حال، در بین دستان شما بیانیه‌ی ملعون ناصر محمد است، که در آن مباحله اش را نوشته است که آن را به رنگ قرمز مشخص نمودم و همچنین سید احمد الحسن را دعوت به پاسخ به مباحله نموده است، همانطور که در زیر شرط‌هایی که بر خود گذاشته است خط کشیده ام و با عدم تحقق آن شرط‌ها دروغگویی متکبر خواهد بود، او می‌گوید:

(بسم الله الرحمن الرحيم)

از مهدی منتظر حق امام ناصر محمد یمانی به سید احمد الحسن فرستاده‌ی شیطان رجیم. من مهدی منتظر حق ناصر (یاری دهنده) محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم امام ناصر محمد یمانی هستم، و تعداد ائمه آل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را نمی‌دانم الا اینکه آنها دوازده امام هستند و اول آنها امام علی ابن ابی طالب درود خدا بر او باد بود و خاتم آنها مهدی منتظر حق امام ناصر محمد یمانی است و من تو را نفرستاده‌ام، و قسم به پروردگار بزرگ، تو از دروغگویان و فریبندگان و تهمت‌ننده‌ی بر خدا و رسول بی سواد امانتدار هستی، و اما ادعای تو در مورد کسی که با او دیدار می‌کنی به والله قسم تو جز با شیطان رجیم دیدار و مقابله نمی‌کنی همانطور که شیطان بشر از یهود با آنها دیدار می‌کردند و می‌خواستند مردم را از راه مستقیم گمراه سازی، اما من مهدی منتظر حق امام ناصر محمد یمانی از پروردگار دو جهان تو را دعوت به مباحله می‌

کنم تا خدا تهمت نهنده از ما را خوک گرداند تا آیتی برای جهانیان باشد تا مردم شخص دیگر را تصدیق کنند.

و مباحله را هنوز آغاز نکردیم، بلکه هنوز به مباحله در سایت امام ناصر محمد یمانی دعوت می کنم و اگر خواستاری آن را در این سایت که بیانیه ات را قبول کردند قرار می دهیم پس اگر به این سایت یا به سایتی برای مباحله آمدی و بعد از اینکه مباحله کردیم در ظرف یک ثانیه بعد از مباحله اگر خدا تو را به خوک مسخ نکرد من مهدی منتظر حق نیستم، و هر کس از ما بازماند دروغگویی متکبر است. پس ای اصحاب این سایت خطاب ناصر محمد یمانی را حذف نکنید تا ببینید آیا به راستی احمد الحسن عراقی که خود را یمانی می نامد همان یمانی فرستاده شده از طرف محمد الحسن عسگری است یا اینکه او دروغگویی متکبر است، بلکه او فرستاده ی شیطان رجیم است؛ و شاید احمد الحسن عراقی یمانی برای مباحله بیاید و من در این سایت نباشم یا اصحاب این سایت عضویت مرا لغو کنند تا پاسخ مباحله ندهم.

و لهذا مباحله را خود الان می نویسم: (خداوندا به حق یگانگی و به حق رحمتی که بر خود نوشتی و به حق عظمت و نعمت و رضوان خویش، اگر می دانی که ناصر محمد یمانی همان مهدی منتظر حق از جانب تو نیست پس لعنت خدا و فرشتگان و تمامی مردم بر او باد و من را خوک بگردان تا عبرتی برای کسانی که ادعای مهدویت به غیر حق می کنند باشم. اگر احمد الحسن یمانی از راستگویان و فرستاده ی امام مهدی منتظر، خلیفه ی خداوند جهانیان باشد، و اگر احمد الحسن یمانی آمد و به ما با مباحله پاسخ داد، و اگر این بنده ات موجود نبود خداوندا تو هستی، ای خالق وجود و ای فرستنده ی مردگان از قبرها، ای پدید آورنده ی آسمانها بدون پایه و ای ثابت کننده ی کوه ها و هلاک کننده ی ثمود و عاد، و ای غرق کننده ی فراعنه ی شدید، احمد الحسن یمانی را بعد از پاسخ به مباحله ی ما فوراً و در ثانیه ی اول به خوک مسخ کن. ای خداوندا به تحقیق چون به

کاری امر فرمایی فقط می گویی موجود باش پس فوراً موجود می شود، تو شنونده ی دانایی. اگر به مباحله آمد تو شنونده ی دانایی، او مرا به نبرد نخواند بلکه تو را به نبرد خواند، ای پروردگارم او می داند که بر گمراهی آشکار است و اگر توبه کرد و برای نبرد نیامد او را به خوک مسخ نکن ای پروردگارم، شاید که به درگاه تو توبه کند و رحمت تو ای پروردگارم همه چیز را در وسعت خود گنجانده است و تویی مهربانترین مهربانان).

و خدا هیچ برهان قطعی در شأن محمد بن الحسن عسگری و احمد الحسن عراقی که خود را یمانی می نامد نازل نکرده است، و اگر احمد الحسن عراقی به مباحله در این سایت یا سایتهم، سایت امام ناصر یمانی حاضر شود و بعد از حضور و اتمام مباحله در ظرف مدت ثانیه ی اول اگر احمد الحسن یمانی به خوک مسخ نشد، به راستی که ناصر محمد یمانی، دروغگویی متکبر خواهد بود و همان مهدی منتظر امام دوازدهم از آل محمد از نسل حسین ابن علی ابن ابی طالب نیست. و اگر بعد از مباحله و در ثانیه ی اول به خوک مسخ شد پس شیعیان خواهند دانست که احمد الحسن یمانی با شیطان رجیم و فرستاده ی شیطان رجیم دیدار می کند و خدا هیچ برهان قطعی در شأن او و در شأن محمد بن الحسن عسگری نازل نکرده است. پس ای ناظر بر این انجمن خطایم را حذف نکن تا ببینیم کدام یک دروغگویی متکبر است، احمد الحسن یمانی یا ناصر محمد یمانی. و آن بخاطر این است که هیچ یک از آنها امت را از راه مستقیم گمراه نسازد، پس به ناچار یکی از آنها باید دروغگو باشد، بنابراین ناصر محمد یمانی و احمد الحسن یمانی را مورد نظر قرار دهید تا ببینید کدام یک دروغگویی متکبر است و او هرگز و هرگز و هرگز حاضر نخواهد شد زیرا که خود می داند دروغگویی متکبر است. و از نیرنگ بازی بر حذر باش شاید یکی از نادانان به من پاسخ دهد و بگوید او همان احمد الحسن یمانی است پس من را به مباحله فرا می خواند و قسم به خداوند بلند مرتبه او را به خوک مسخ می کند و او را رسوایی و خواری بزرگی خواهد بود تا موعظه ای برای مردم باشد و من به شما گوشزد کردم

دیگر بهانه ای ندارید پس نباید کسی جز **احمد الحسن** که می گوید فرستاده ی امام مهدی است و خدا را گواه می دارم که او فرستاده ی شیطان ملعون است، با من مباحله کند؛ پس اگر به مباحله با من پرداخت و خدا او را در ثانیه ی اول به خوک مسخ نکرد به راستی ثابت کرد که او فرستاده ی امام مهدی محمد بن الحسن عسگری است، و وجود او را در سرداب سامرا به اثبات رساند، و ثابت کرد که ناصر محمد یمانی دروغگویی متکبر است. پس خواهیم دید که کدام یک از ما دروغگویی متکبر است. ای **احمد الحسن** عراقی به درگاه خدا توبه کن یا اگر از راستگویان بودی به این سایت بیا تا مباحله ی خود را آغاز کنیم، و سلام بر فرستادگان خدا و سپاس پروردگار جهانیان.

این خطاب را مهدی منتظر امام دوازدهم از آل بیت مطهر خلیفه ی خدا بر بشر، یاری دهنده ی پیامبر بی سواد محمد رسول الله صلی الله علیه و علی آله و سلم امام ناصر محمد یمانی به شخصه نوشت، و تو را به مباحله فرا می خوانم تا خداوند دروغ گوینده را مسخ کند و آیتی برای مردم باشد تا تصدیق کنند).

و بر اساس آنچه این ملعون بر خود شرط بست، سید **احمد الحسن** علیه السلام بعد از مباحله در ظرف مدت یک ثانیه باقی نخواهد ماند، پس ببینیم چه شد!!!

سید **احمد الحسن** به تاریخ: دوشنبه ۲۷ / آذر ماه / ۱۳۹۱ هجری شمسی، متن مباحله این دجال را نوشت و در دو سایت قرار داد:

اول: صفحه اصلی و رسمی فیسبوک که ایشان علیه السلام به شخصه در آن می نویسند.

دوم: سایت ناصر محمد دروغگوی متکبر.

و این متن مباحله ی سید **احمد الحسن** که به این ملعون ایراد فرمود، می باشد، ایشان علیه السلام می فرمایند:

(پیغامی از طرف شخصی بنام ناصر محمد، مدعی مهدویت به دروغ و زور و بدون هیچ دلیل شرعی، به من توجیه شد. و او مانند مسیلمه و سُجَّاح و امثال آنها از دروغگویان در زمان رسول الله محمد ﷺ می باشد، و این دروغگو ناصر محمد در بیانیه ای، مباحله ی من را طلب کرده است. در بیانیه اش، مباحله را با صیغه ای دیگر، غیر از صیغه ی شرعی از روی جهل و نادانی و عدم اطلاع از صیغه ی شرعی مباحله منتشر ساخت، و به هر حال راه را برای ما با مباحله اش میسرتر ساخت و با آنچه که بر خود از شروط در اثبات حَقمان برای ایشان و دیگران که صدق او را متوهم شدند را بنیان نهاد، و راه را برای اثبات باطل و دروغش به آنها را میسر ساخت.

همانا ناصر محمد در طی بیانیه ای گفت: (و بعد از اینکه مباحله کنیم در ظرف مدت یک ثانیه بعد از مباحله اگر الله تو را به خوک مسخ نکرد، من مهدی منتظر حق نیستم).

و همچنین گفت: (و خدا هیچ برهان قطعی در شأن محمد بن الحسن عسگری و احمد الحسن عراقی که خود را یمانی می نامد نازل نکرده است، و اگر احمد الحسن عراقی به مباحله در این سایت یا سایت، سایت امام ناصر یمانی حاضر شود و بعد از حضور و اتمام مباحله در ظرف مدت ثانیه ی اول اگر احمد الحسن یمانی به خوک مسخ نشد، به راستی که ناصر محمد یمانی، دروغگویی متکبر خواهد بود و همان امام مهدی منتظر نیست).

و همچنین گفت: (ببینید که ناصر محمد یمانی یا احمد الحسن یمانی دروغگو و متکبر است، و او هرگز و هرگز و هرگز حاضر نخواهد شد).

و من به مباحله حاضر شدم بعد از اینکه بیانیه ی ناصر محمد به دستم رسید و با حضورم آشکار شد که او دروغگو است. او سه بار واژه ی هرگز را تکرار کرد و همانگونه که در زبان عربی گفته می شود برای ابدی بکار می رود یعنی گوینده ی آن در انجام کاری، که انجام شدنی نیست یا انجام نخواهد شد هر چقدر که وقت و زمان بگذرد از آن

استفاده می کند، پس ناصر محمد گفت هرگز و هرگز و هرگز حاضر نخواهد شد، و من الان حاضر شدم و با او مباحله کردم، و دروغ ناصر محمد آشکار شد.

و این مباحله ی من با مدعی (ناصر محمد) است، که آن را خودم به شخصه نوشته و در صفحه ام و در سایتش همانگونه که خواست منتشر می کنم تا ثابت شود که بر اساس شرط های او من راستگو و ناصر محمد دروغگوئی متکبر است.

(اللهم رب السماوات السبع ورب الأرضين السبع، عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم، إن كان أحمد الحسن جحد حقاً وادعى باطلاً فأنزل عليه حساباً من السماء أو عذاباً أليماً، وإن كان ناصر محمد جحد حقاً وادعى باطلاً فأنزل عليه حساباً من السماء أو عذاباً أليماً).

(خدایا، ای پروردگار هفت آسمان، و پروردگار هفت زمین، داننده ی غیب و شهادت و رحمتگر مهربان، اگر احمد الحسن حقی را انکار و به باطل مدعی شد مجازات حساب شده از آسمان یا عذابی دردناک بر او نازل کن، و اگر ناصر محمد حقی را انکار و به باطل مدعی شد مجازات حساب شده از آسمان یا عذابی دردناک بر او نازل کن).

و این مباحله موافق با آیه ی قرآنی است، الله تعالی فرمود: ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾.

(پس هر کس بعد از علمی که برای تو حاصل شده است درباره عیسی با تو محاجه کرد بگو: بیائید تا پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و خودی هایمان و خودی هایتان را فرا خوانیم، سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم)^(۱).

بعد از اینکه مباحله را با صیغه و راه و روش شرعی نوشته و آن را منتشر کردم برای من جز خیر حاصل نشد و من الان بعد از مباحله ی این دروغگو در نعمت خدا به سر می برم، و الان آشکار شد که محمد و پیروانش که آنها را با نیرنگ پیرو خود ساخت، من حق هستم و ناصر محمد دروغگویی متکبر بر اساس شرط هایی که بر خود گذاشت، می باشد.

ناصر محمد گفت: (نباید کسی جز احمد الحسن که می گوید فرستاده ی امام مهدی است و خدا را گواه می دارم که او فرستاده ی شیطان ملعون است، با من مباحله کند؛ پس اگر به مباحله با من پرداخت و الله او را در ثانیه ی اول به خوک مسخ نکرد به راستی ثابت کرد که او فرستاده ی امام مهدی محمد بن الحسن عسگری است، و وجود او را در سرداب سامرا به اثبات رساند، و ثابت کرد که ناصر محمد یمانی دروغگویی متکبر است).

و من با ناصر محمد مباحله کردم و با این مباحله برای ناصر محمد و پیروانش ثابت کردم که حق هستم و پدرم محمد بن الحسن حق و موجود است، و ناصر محمد بر اساس شرط هایی که بر خودش گذاشت ثابت کرد که دروغگویی متکبر است، و با این حال دعوتش با تمامی جزئیاتش باطل شد و بعد از این روز برای پیروانش حجتی در نزد پروردگارشان نخواهد بود بعد از اینکه با دلیل قطعی ثابت شد، و بر اساس شرط هایی که بر خودش نهاد دروغگویی متکبر است.

و اما دروغ و هابیت و ابن تیمیه که این دروغگو محمد ناصر آن را تکرار می کند که شیعیان می گویند امام محمد بن الحسن عسگری علیه السلام در سرداب است؛ این گفته باعث می شود که مردم بصیرت بیشتری بدست آورده و دروغ و انحراف این شخص از حق را بهتر بشناسند. و این عصر اینترنت است و هر شخص می تواند هر اطلاعاتی را به آسانی دریافت کند و کتابهای شیعیان موجود است و می توانند به آنها رجوع و مطالعه کنند که

شیعیان این را نمی گویند که امام محمد بن الحسن علیه السلام در سرداب است، و این دروغ را وهابی ها و این دروغگو ناصر محمد خدا رسوا و خوارش گرداند، را تکرار می کنند.

و در نهایت ناصر محمد را دعوت به توبه و دوری از دعوت شیطانی باطلش می کنم که عاقبتش بدتر از عاقبت دروغگویانی که ادعای نبوت در زمان جدم رسول الله محمد صلی الله علیه و آله کردند خواهد بود، و الله او را در دنیا و آخرت خوار و ذلیل خواهد کرد، الله تعالی فرمود: ﴿وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ، اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ﴾، (و چون آیتی برایشان بیاید می گویند هرگز ایمان نمی آوریم تا این که نظیر آنچه به فرستادگان خدا داده شده است به ما [نیز] داده شود، خدا بهتر می داند رسالتش را کجا قرار دهد به زودی کسانی را که مرتکب گناه شدند به [سزای] آن که نیرنگ می کردند در پیشگاه خدا خواری و شکنجه ای سخت خواهد رسید) ^(۱).

و به جای اینکه این دورغگوی متکبر طبق شرط هایی که گذاشت توبه کند، و از گمراهی و زندقه که با آن خلق را گمراه می سازد دست بردارد، و بعد از اینکه حقانیت سید احمد الحسن علیه السلام نیز با همان شرط هایی که خود گذاشت ثابت شد، مسیلمه ی جدید سعی و تلاش جدید ناچیز و بی نتیجه ای را اختراع کرد تا رسوایی خود را بپوشاند، پس ببینیم آن چیست.

تلاش ناچیز و نومیدانه جهت پوشاندن رسوایی ...

تلاش ناچیز و نومیدانه ی ناصر محمد جهت فرار از نتیجه ی مباحثه ای که طبق شرط های او صورت گرفت و آشکار کرد که او دروغگویی متکبر و باطل و پلید کار است، و آن بعد از اینکه سید احمد الحسن مباحثه اش را در صفحه ی شخصی خود در فیسبوک و سایت دروغگو ناصر محمد منتشر کرد.

بعد از آن، این ملعون پیروانش را در سایت خود با پاسخی که حتی به ذهن خود مسیلمه‌ی کذاب نمی‌رسد را غافلگیر کرد، که می‌خواهد از طریق آن فرارش از نتیجه‌ی مباحله‌ای که صورت گرفت را مبرر سازد، و بعد از اینکه ناصر محمد مباحله‌اش را، و سید احمد الحسن مباحله‌اش را نوشت همانطور که خواندیم و متوجه شدیم، و این ترجمه‌ی متن مسیلمه‌ی این زمان است:

(پاسخ امام مهدی ناصر محمد یمانی به احمد الحسن یمانی عراقی....)

بسم الله الرحمن الرحيم، و درود بر همه‌ی پیامبران خدا و فرستادگانش از اولین تا خاتم آنها و بر آل پاکشان، فرقی بین آنها نمی‌گذاریم و ما تسلیم امر آنهایم، اما بعد...

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته عزیزان انصار پیشی گرفتگان و برگزیدگان، و سلام خدا بر تمامی حق جویان. پس به حق بین امام مهدی ناصر محمد یمانی و احمد بن الحسن یمانی عراقی گواه باشید، و اگر او مباحله را نوشت سپس به او می‌گوییم:

ای احمد الحسن عراقی، آری من تو را به مباحله چند سال پیش فرا خواندم و پاسخی ندادی، ولیکن تو را دعوت به مباحله می‌کنم پس بعد از گفتمان باشد به اعتبار اینکه شریعت و قانون مباحله در کتاب بعد از گفتمان و اقامت حجت با سلطان علم می‌باشد، و هر کس که بر او حجت سلطان علم اقامه شد و نپذیرفت سپس نوبت مباحله بین دو طرف می‌رسد. و مصداق آن فرموده‌ی خداوند متعال: ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهَلُ فَنَجْعَل لَّعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾، (پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را حاصل آمده با تو محاجه کند بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و

زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم^(۱). صدق الله العظیم

و بر این اساس، من امام مهدی ناصر محمد یمانی، خدا و انصار پیشی گرفتگان و برگزیدگان و تمامی حق جویان در جهانیان را گواه می دارم و احمد الحسن یمانی عراقی را به گفتمان دعوت و سپس هر کدام با سلطان علمی که از محکم قرآن عظیم دارد دلالت می کند، و سپس نوبت مباحله بین امام ناصر محمد یمانی و حریفش احمد بن الحسن یمانی عراقی فرا می رسد. و در مورد مکان مناظره من او را به سایتیم (سایت امام مهدی ناصر محمد یمانی انجمن بشری اسلامی) دعوت می کنم، و اگر رد طلب کرد بر سایتی بی طرف اتفاق نظر خواهیم کرد و مناظره و مباحله را انجام خواهیم داد. ای احمد الحسن عراقی با توجه به اینکه شرط اساسی مباحله در ابتدا اقامت حجت بر حریف با سلطان علم است حتی بعد از اینکه اگر آشکار شد که او بر گمراهی آشکار است و مباحله درخواست کرد و نخوت وی را به گناه کشاند سپس حکم خدا بین دو طرف خواهد آمد و او بهترین داوران است. و بی صبرانه منتظر پاسخ هستیم، و درود بر فرستادگان، و سپاس خداوند جهانیان... امام مهدی ناصر محمد یمانی).

و در پاسخ به این سبک عقل می گویم:

اولاً: بر تو سزاوارتر بود که خود را (دروغگوی متکبر) به جای (امام) وصف کنی، و اعتقاد دارم علت این مسئله برای همه روشن باشد، پس شرط سابقی که گذاشتی کجاست که اگر احمد الحسن به مباحله ات پاسخ داد و در ثانیه ی اول سالم باقی ماند آن دلیل صدق او و کذب تو خواهد بود؟؟؟ و این متن بیانیه ی تو است پس آن را با دقت مطالعه کن، زیرا شاید آنچه را که ابلیس (لعنه الله) تو را نسبت به آن فریب داد را فراموش کردی:

گفتی: (و بعد از اینکه مباحله کردیم در ظرف یک ثانیه بعد از مباحله اگر خدا تو را به خوک مسخ نکرد من مهدی منتظر حق نیستم).

و نصیبی برای سید پاکدامن **احمد الحسن العلی** از آنچه نفس پلیدت تو را به آن فریب داد، نبود، و سپاس خداوند، تو (امام مهدی منتظر حق) و به اعتراف خودت نیستی.

و نیز گفتی: (و خدا هیچ برهان قطعی در شأن محمد بن الحسن عسگری و **احمد الحسن عراقی** که خود را یمانی می نامد نازل نکرده است، و اگر **احمد الحسن عراقی** به مباحله در این سایت یا سایتیم، سایت امام ناصر یمانی حاضر شود و بعد از حضور و اتمام مباحله در ظرف مدت ثانیه ی اول اگر **احمد الحسن یمانی** به خوک مسخ نشد، به راستی که ناصر محمد یمانی، دروغگویی متکبر خواهد بود و همان مهدی منتظر نیست).

و ثانیه ی اول به پایان رسید، بلکه ساعت ها و روزها از مباحله ی سید **احمد الحسن** که آن را در سایتت و صفحه ی شخصی رسمی بر روی فیسبوک منتشر ساخت، گذشت؛ و آنچه را که ذکر کردی اتفاق نیفتاد، بنابراین (ناصر محمد یمانی همان دروغگوی متکبر است و مهدی منتظر نمی باشد)، آیا اینگونه نیست؟! این اعتراف تو بود، آن را مطالعه کن، اگر به راستی خواندن را بدانی.

و اما وصف (خوک) ایراد شده در سخنان، معتقدم که تو نسبت به آن والاتر هستی و بسیار سزاوار آن می باشی، به ویژه بعد از درماندگی و ضعفی که خداوند تو را در آن قرار داد و در برابر ملاء عام رسوا و خوار گشتی. و در حقیقت، تو دروغگو گوینده ی بر خدا و رسولش و ائمه ی هدایت می باشی، و اگر از او سبحانه بودی تو را به نفس پلیدت واگذار نمی کرد تا خود قبل کس دیگری بر نفس خویش حکم دروغگو صادر کنی، و رسوایی ات را بنده ای از بندگان خدا که خداوند نصرت و یاری امام حقش سید **احمد الحسن** را به او ارزانی کرده را می نگارد، بلکه آن رسوایی را حق طلبان و منصفان

مانند روشنی آفتاب می بینند، و آن نتیجه ی هر دروغگوی پاره گفته است و بعد از آن جایگاهت دوزخ و دوزخ بد سرانجامی است.

بلکه من جزم می کنم که مسیلمه ی اول از اجدادت اگر اکنون حاضر بود و شاهد بازی رسوا شده ات در دین خدا می شد به صورت تو آب دهانش را می انداخت تا صورت تو نحس و پلیدی بیشتری بگیرد. در گذشته او را جهت برکت و فزونی بخشیدن به آب سرچشمه ای فرا می خواندند پس آب دهان خود را در آن سرچشمه می انداخت اما خشک می شد، و گمان نمی کنم حال تو از او برتر باشد، و بدان که نهایت تو اگر به درگاه خدا توبه نکنی و از پاره گویی ها و ادعاها و ریشخند کردن مردم دست برداری مانند نهایت مسیلمه خواهد بود.

دوماً: مباحله انجام شد و همه شاهد آن بودند، پس معنای عقب نشینی تو از نتیجه ی آن چیست؟ آیا مثلاً به این دلیل که طبق ادعای تو آن کس که تو را فرستاد شانه خالی کرد، و گمان می کنی بار دگر همین کار را با تو انجام نمی دهد؟

یا اینکه معتقدی که به تو وعده ی پیروزی داده و خلاف وعده عمل کرد؟ یا اینکه تو را در محمصه ای قرار داد و خوابید و تو را از یاد برد؟ بنابراین، تو به راستی فرستاده هستی، ولیکن نه از جانب خدا بلکه شیاطین تکلیف ارسال تو را به اندکی از مسکینان به عهده گرفتند تا آنها را ریشخند کنی و آنها را در هاویه ی دوزخ روانه سازی.

و سوماً: آیا حیاء نمی کنی ای سبک عقل که الان این گفته را می گویی: نوبت مباحله بعد از گفتمان علمی و مناظره خواهد بود... بنابراین، معنای منتشر ساختن متن مباحله بصورت نوشتاری در گذشته چیست!!! آیا سخنان را باری بعد از دیگری باید تکرار کنم، گوش فراده اگر گوش هایی برای شنوایی داری:

و لهذا مباحله را خود الان می نویسم: (خداوندا به حق یگانگی و بحق رحمتی که بر خود نوشتی و به حق عظمت و نعمت و رضوان خویش، اگر می دانی که ناصر محمد یمانی همان مهدی منتظر حق از جانب تو نیست پس لعنت خدا و فرشتگان و تمامی مردم بر او باد و من را خوک بگردان تا عبرتی برای کسانی که ادعای مهدویت به غیر حق می کنند باشم. اگر احمد الحسن یمانی از راستگویان و فرستاده ی امام مهدی منتظر، خلیفه ی خداوند جهانیان باشد، و اگر احمد الحسن یمانی آمد و به ما با مباحله پاسخ داد، و اگر این بنده ات موجود نبود خداوندا تو هستی، ای خالق وجود و ای فرستنده مردگان از قبرها، ای پدید آورنده ی آسمانها بدون پایه و ای ثابت کننده ی کوه ها و هلاک کننده ی ثمود و عاد، و ای غرق کننده ی فراعنه ی شدید، احمد الحسن یمانی را بعد از پاسخ به مباحله ی ما فوراً و در ثانیه ی اول به خوک مسخ کن. ای خداوندا به تحقیق چون به کاری امر فرمایی فقط می گویی موجود باش پس فوراً موجود می شود، تو شنونده ی دانایی. اگر به مباحله آمد تو شنونده ی دانایی، او مرا به نبرد نخواند بلکه تو را به نبرد خواند، ای پروردگارم او می داند که بر گمراهی آشکار است و اگر توبه کرد و برای نبرد نیامد او را به خوک مسخ نکن ای پروردگارم، شاید که به درگاه تو توبه کند و رحمت تو ای پروردگارم همه چیز را در وسعت خود گنجانیده است و تویی مهربانترین مهربانان).

سؤال: آیا در آن هنگام می دانستی که شرط مباحله قبل از آن مناظره و گفتگوی علمی است، یا خیر؟

اگر پاسخ گفتمی: آری، بنابراین چرا شریعت و قوانین کتاب خدایت را در هم شکستی اگر به راستی به آن ایمان داری و مباحله کردی و به نفس خویش حکم دروغگو صادر نمودی اگر چه آن چیزی که به آن وعده دادی محقق نشد، و به راستی بر اساس گواهی که بر خود دادی دروغگو بودی؟! و اگر پاسخ گفتمی: خیر، همچنین تو نادان و باطل و دروغگویی. و چگونه یک شخصی که نسبت به کتاب خدا نادان است، و ادعای امامت

می کند و بلکه اذعان می دارد که از خلق و من جمله از رسول الله ﷺ و آله (پناه بر خدا) آگاه تر است اینگونه جسارت می کند؛ همانگونه که از کفر و جرأت و جسارت خوانندیم و مطلع شدیم.

ختم کلام:

و به آن کس که هنوز پیرو اوست می گویم:

خداوند متعال فرمود: ﴿يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿۱﴾ وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿۲﴾، (یاد کن روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم پس هر کس کارنامه اش را به دست راستش دهند آنان کارنامه خود را می خوانند و به قدر نخک هسته خرمایی به آنها ستم نمی شود* و هر که در این دنیا کور دل باشد در آخرت هم کور دل و گمراه تر خواهد بود) (۱).

اکنون برای شما حال آن کس که پیرو اوید آشکار شد، و اینکه او تنها جاهلی دروغگو است، پاره گو بر خدا و مدعی به نا حق است، بنابراین او گمراه شده و گمراه کننده و پیشوایی که به جهنم فرا می خواند است، خداوند متعال فرمود: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ ﴿۱﴾، (و آنان را پیشوایانی که به سوی آتش می خوانند گردانیدیم و روز رستاخیز یاری نخواهند شد) (۲).

پس تقوای الهی پیشه کنید و به راه حق بازگردید، و بدانید که خدای سبحان شما را مورد سؤال قرار می دهد، پس به درگاه خدا توبه کنید و بر پیروی این کور دل گمراه اصرار نورزید.

۱- الاسراء: ۷۱ - ۷۲.

۲- القصص: ۴۱.

به حقی که خداوند سبحان به آن گواه داد متوجه شوید، و شما را به یاری دعوت کننده ی خدا و مهدی امت محمد، سید احمد الحسن که با قانون الهی در میان خلفائش احتجاج کرد، و وصیت رسول الله محمد ﷺ را ابراز نمود و ده ها روایات دیگر که او را به اسم و نسب و صفت و مسکن و حجت و هر چه متعلق به امر اوست ذکر کردند، و سپس شهادت و گواهی خدا برای او با دیدن هزاران رؤیایا به پیامبران و فرستادگان که حقانیت و صدق او را تأیید و تأکید می کنند، و در پیش دستان شما علم ایشان است که با آن حجت را بر اهل هر کتاب به کتابش اقامه کرد را دعوت می کنم. پس بعد از حق چیزی نیست جز گمراهی.

والحمد لله رب العالمین

وصلی الله علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدیین وسلم تسليماً.

علاء السالم

٥/ صفر/ ١٤٣٤ هـ . ق

٢٩/ آذرماه/ ١٣٩١ هـ . ش